irannewspaper.ir

شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۷۱۲
• اذان ظهر ۱۲/۰۹ • اذان مغرب ۱۸/۴۲ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۶ • اذان صبح فردا ۰۴/۲۹ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۵۴

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

• مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷

سخن روز

امام علی(ع):
همنشین بد، پاره‌ای از آتش است.

شرح غررالحکم: ج ۴، ص ۲۰۱

خلأ نویسندگان متخصص در حوزه کودک ما احساس می‌شود

نقل قول

نوشتن برای کودکان فقط روایت یک داستان نیست، بلکه باید از طریق داستان، پیام‌های مهمی را منتقل کرد که معمولاً پیام‌ها به راحتی به کودکان نمی‌رسد. این کار نیازمند تخصص است، اما متأسفانه این تخصص به اندازه کافی در کشور ما جدی گرفته نمی‌شود. ما به‌شدت به نویسندگان متخصص در حوزه کودک نیاز داریم و این خلأ در ادبیات ما احساس می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ادبیات ما این است که کتاب‌هایمان به زبان‌های دیگر ترجمه نمی‌شوند. در سراسر دنیا، نهادهایی برای معرفی و ترجمه آثار ملی به سایر زبان‌ها وجود دارند، اما ما در ایران چنین ساختاری نداریم.

صحبت‌های لیلی گلستان با ایبنا

پیام رئیس جمهوری به آیین نکوداشت ثمینه باغچه‌بان

ادبیات کودک مدیون آموزگاری شماست

رئیس جمهوری در پیامی به آیین نکوداشت ثمینه باغچه‌بان، با اشاره به نقش او در پاسداشت و ترویج میراث معنوی و فرهنگی ایران، نوشت: «استاد فرزانه و فروتن، سرکار خانم ثمینه باغچه‌بان
با نهایت افتخار و احترام، قدردان تلاش‌های ماندگار و راهگشای شما در عرصه فرهنگ ایران، ادبیات کودک و نوجوان و آموزش ناشنوایان هستم. نقش شما در پاسداشت و ترویج میراث معنوی و فرهنگی ایران عزیز با تدوین داستان‌ها و ادبیات عامیانه و ترانه‌های ایرانی، خلق آثار ستودنی و شایسته در حوزه ادبیات کودک و تنظیم روش‌های نوین و تربیت آموزگارانی دلسوز و کارآمد در زمینه آموزش ناشنوایان، بر لوح دل و حافظه فرهنگی ایرانیان نشسته و درخشیده است.
نام نیک شما در کنار نام پدر بزرگوارتان استاد جبار باغچه‌بان که پیشگام آموزش و پرورش کودکان بوده و نخستین مدرسه ناشنوایان را بنیان نهاد، همچنان برای ایران راه خواهد گشود و به نسل‌های آینده توان خواهد بخشید. از درگاه خداوند مهربان سلامتی مدام، توفیق مداوم و استمرار تلاش‌های شما را مسألت دارم.»

مراسم نکوداشت ثمینه باغچه‌بان برگزار شد

۱۲۰ ساله شوی بانو

گزارش

گروه فرهنگی

مراسم گرامیداشت ثمینه باغچه‌بان با حضور جمعی از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی برگزار شد؛ معلم و نویسنده ۹۸ ساله که همچون پدرش، جبار باغچه‌بان عمر و ۸ دهه از زندگی‌اش را به پای عشق و علاقه‌ای تمام نشدنی به کودکان و نوجوانان این سرزمین گذاشت. «پل کوچک چوبی» عنوان یکی از کتاب‌های این نویسنده است که به فهرست برگزیده‌های شورای کتاب کودک راه یافته. او مصداقی از این سخن ماندگار توران پیرهادی است که غم بزرگ را به کار بزرگ تبدیل کنیم. در این مراسم پیام رئیس جمهوری در تجلیل از خدمات این چهره ماندگار در ترویج میراث معنوی و فرهنگی کشورمان نیز قرائت شد.

کنشگری هوشمند و مؤثر

سخنرانی کوتاه منوچهر اکبرلو، نویسنده و پژوهشگر تئاتر آغازگر این مراسم بود که به میزبانی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد؛ بعد از آن علی ربیعی، دستیار رئیس‌جمهوری در امور اجتماعی با تأکید بر اینکه به نمایندگی از انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات در مراسم بزرگداشت این چهره‌های ماندگار فرهنگ و آموزش کشورمان حضور پیدا کرده است گفت: «برگزاری این مراسم، ادای احترام است به بانویی که نه‌تنها در حوزه آموزش و پرورش کودکان، بلکه در عمق فرهنگ شفاهی، ادبیات عامه و جریان‌سازی فرهنگی در ایران معاصر نقشی ماندگار داشته است. بخشی از ماندگاری و پویایی سرزمین ایران، مرهون انسان‌های بزرگی است که خالق آثار جاودانه ادبی، هنری و علمی بوده‌اند. برخی از این انسان‌ها، خود به‌تنهایی یک روایت زنده از زندگی، فرهنگ و هویت ایرانی هستند؛ فراتر از یک نام، به‌مانند نهادی ماندگار در بستر جامعه عمل می‌کنند؛ همچون خانواده باغچه‌بان.»
او ادامه داد: «وقتی نام «باغچه‌بان» را می‌شنویم، بی‌درنگ ذهنمان به یاد بنیان‌گذار اولین مدرسه ناشنوایان می‌افتد. اما در سایه آن نام بزرگ، شخصیتی مستقل، خلاق، متعهد و تأثیرگذار نیز شکل گرفت که راه خود را با اندیشه و عمل، از دل تاریخ معاصر ما گشود: خانم ثمینه باغچه‌بان. او زنی است که نه در حاشیه نام پدر یا همسر، بلکه با تکیه بر دانش، تعهد و عشق به فرهنگ و آموزش، به عنوان یکی از چهره‌های درخشان در حوزه آموزش کودکان، بویژه کودکان کم‌شنوا و ناشنوا، شناخته شد. او با کنشگری هوشمندانه و رویکردی انسانی، توانست سهمی بزرگ در توسعه آموزش و ارتقای آگاهی در جامعه ایفا کند.»
ربیعی با اشاره به اینکه نگاهی شاعرانه و عمیق بر جای جای زندگی باغچه‌بان موج می‌زند، گفت: «ثمینه باغچه‌بان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، فولکلور و سنت‌های بومی، مفاهیم ارزشمند انسانی را به زبان کودکانه و در عین حال پرمغز، به نسل‌های مختلف منتقل کرد. او نشان داد که ادبیات کودک، نه سرگرمی صرف، بلکه ابزاری برای تربیت عاطفی، اجتماعی و فرهنگی نسل آینده است. در بررسی مسیر زندگی و فعالیت‌های ثمینه باغچه‌بان، شاید هیچ واژه‌ای به‌اندازه «تعهد» شایسته وصف او نباشد؛ تعهد به کودک، به آموزش، به جامعه، و به آینده. او الگویی شد برای زنانی که خواستند در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی، سهمی فعال داشته باشند.»

پیونددهنده فرهنگ و ادبیات کودک و آموزش

ربیعی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر آن که ثمینه باغچه‌بان، نه تنها در ساختارهای رسمی، بلکه از طریق فرهنگ و ادبیات غیررسمی، ذهن‌ها را بیدار کرد، افزود: «از او می‌توان به‌عنوان «مادری برای جامعه» و حتی «مادری برای ایران» یاد کرد؛ زنی که تربیت را از خانه آغاز کرد و تا گستره‌های ملی و علمی گسترش داد. تأثیرات ثمینه باغچه‌بان تنها به نسل هم‌دوره‌اش محدود نماند. آثار، اندیشه‌ها و روش‌های تربیتی او تا امروز الهام‌بخش فعالان حوزه آموزش، ارتباطات بین‌فرهنگی و ادبیات کودک بوده‌اند. او با ایجاد پیوند میان فرهنگ عامه و آموزش رسمی، بستری فراهم کرد که در آن کودک بتواند با هویتی ریشه‌دار، اما خلاق و مدرن، رشد کند.»
به گفته ربیعی، باغچه‌بان یکی از اولین زنانی است که نشان داد چگونه می‌توان از دل سنت، به‌سوی نوگرایی گام برداشت و چگونه می‌توان صدای کودک و ناشنوا را به صحنه ارتباطات اجتماعی آورد. او ادامه داد: «ثمینه باغچه‌بان نه‌فقط یک آموزگار، که یک کنشگر فرهنگی، و پیشگام در عدالت آموزشی و ارتباطی به شمار می‌رود. او در روزگار خویش پیشتاز بود؛ پیشتازی که در زمان خود، برای زنی با دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی، مسیری دشوار اما روشن بود. مدیریت، آموزش، نگارش، ترجمه، مشارکت در راه‌اندازی نهادهای تخصصی برای ناشنوایان، همه و همه گواهی است بر نبوغ، پشتکار و عشق او به خدمت.»
پایان بخش گفته‌های ربیعی به مسئولیتی اختصاص یافت که در مواجهه با سال‌ها خدمات علمی و فرهنگی او برعهده همگان است. او گفت: «ثمره این تلاش‌ها، نه فقط در دستاوردهای علمی و فرهنگی او، بلکه در تأثیری است که بر جان و ذهن نسل‌ها گذاشت. ذهن‌هایی که به یاری اندیشه‌های او، با مفهوم انسانیت، مشارکت و خلاقیت آشنا شدند. امروز، گردهمایی ما تنها پاسداشت گذشته نیست، بلکه یادآور مسئولیت ما برای ادامه دادن مسیر اوست؛ مسیری که با عشق به کودک، تعهد به جامعه و احترام به فرهنگ بومی آغاز شد. باشد که نام و یاد ثمینه باغچه‌بان، همچون فانوسی در راه تربیت و فرهنگ این مرز و بوم بدرخشد، و سایه پرعزت او بر سر فرزندان ایران‌زمین، مستدام باد.»

جامعه قدردان بزرگان است

مریم پیرنظر، فرزند ثمینه باغچه‌بان با قدردانی از برگزارکنندگان این مراسم گفت: «متأسفانه شب گذشته به اطلاع من رسید که یکی از کارگردانان و تهیه‌کنندگان فیلم ثمینه باغچه‌بان اجازه پخش این فیلم را پس گرفته‌اند و نمی‌توانیم فیلم را مشاهده کنیم و خیلی متأسفم چون مادرم خیلی چشم به راه این مراسم و دیدن این فیلم در این جمع بود. این فیلم با همکاری ثمینه باغچه‌بان تهیه شده بود و ایشان حق این را داشتند که این فیلم را با هم ببینیم.» فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت نیز با ابراز خرسندی از حضور در گرامیداشت ثمینه باغچه‌بان گفت: «افتخار دارم که برای گرامیداشت مقام یک معلم در جمع شما باشم. بعضی از فامیلی‌ها با مسما است و خود باغچه به جهت فضایی که برای رشد و تربیت گیاهان فراهم می‌کند محیط رشد است و باغچه‌بان محیط را برای رشد فراهم می‌کند و این همان کاری است که این خانواده برای آموزش ایران زمین کرد. من فکر می‌کنم وجود این فامیلی از سر اتفاق نبوده که از سر حکمت بوده است. از این فرصتی که پیش آمده بسیار خوشحالم و مراسمی از این دست در کشور ما باید تکرار شود، نه اینکه این عزیزان نیازمند این گرامیداشت‌ها باشند بلکه از این جهت برگزاری این مراسم‌ها مهم است که ما باید یاد بگیریم و آنها هم بدانند که جامعه قدردان آنهاست.» او سپس به قرائت پیام رئیس جمهوری از این بانوی پرافتخار پرداخت.(متن پیام بالای همین صفحه آمده است.)
بعد از قرائت پیام رئیس جمهوری در تجلیل از ثمینه باغچه‌بان، سارا کریمان سازنده مستند ثمینه باغچه‌بان نیز روی صحنه حاضر شد و گفت: «من خیلی منتظر امروز بودم و دوست داشتم که امروز فیلم به نمایش دربیاید و همان‌طور که خانم پیرنظر توضیح دادند این امکان میسر نشد. فرآیند ساخت فیلم این‌گونه بود که من دائم در اندیشه زنان بزرگ ایران بودم و خدمت نوش‌آفرین انصاری رسیدم که پیشنهاد دادند سراغ ثمینه باغچه‌بان بروم و وقتی من و همکارم با ایشان آشنا شدیم، دیدیم که این خانواده جهانی هستند که به سختی توانستیم در ۵۳ دقیقه این جهان را بگنجانیم.»

جهان باغچه‌بان‌ها سراسر زیبایی و آموختن است

او ادامه داد: «آقای فریدزاده خیلی باسخاوت و مهربانی مجوز ما را صادر کردند و برای من این تجربه‌ای بود که خیلی قوی‌تر و بزرگ‌تر شدم و فرآیند ساخت این فیلم تقریباً سه سال طول کشید و این خانواده بسیاری از راش‌هایی که در اختیار بقیه نیست را در اختیار ما قرار دادند. من به آن هدفی که داشتم در ساخت این فیلم رسیدم. کاش به جای ترویج حب و بغض به سخاوت فکر می‌کردیم و با سخاوت رفتار می‌کردیم. جهان باغچه‌بان‌ها جهان زیبایی، آموختن و جهان رشد است و خیلی منتظر این روز بودم که به لطف وزارت ارشاد مجوز سریع صادر شد و متأسفانه شریک فیلم این اجازه را ندادند و من هم به لحاظ قانونی اجازه پخش فیلم را ندارم.» سالار قاسمی رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور نیز در سخنانی گفت: «نه فقط خود مرحوم باغچه‌بان بلکه ثمینه باغچه‌بان گام به گام همواره در کنار پدرشان برای آموزش فرزندان این سرزمین تلاش کردند. آقای جبار باغچه‌بان در سال ۱۳۰۳ دنیای سکوت ناشنوایان را شکست و من یک روز در مصاحبه تلویزیونی عرض کردم که مرحوم باغچه‌بان با همراهی فرزندانشان بدون تأسی به تجربیات کشورهای دیگر برای آموزش کودکان و ناشنوایان کار بدیع و بزرگی کرد. من مژده می‌دهم که ما بنا داریم در تبریز یا در تهران موزه فرهنگ و آموزش مرحوم باغچه‌بان را ایجاد کنیم. ما در آموزش و پرورش استثنایی ۱۰ هزار دانش‌آموز ناشنوا داریم و هنوز نتوانستیم بهتر از الفبایی که مرحوم باغچه‌بان نوشته است الفبای دیگری بدیل و بروز کنیم. بنده با همه وجود با عنایت وزیر و دولت تلاش می‌کنیم همه این ذخایر و گنجینه‌های بزرگ را پاس بداریم.» از آنجایی که بخش مهمی از فعالیت‌های ثمینه باغچه‌بان به ناشنوایان تعلق یافته، در بخش دیگری از این مراسم، رئیس انجمن ملی با زبان اشاره روی صحنه حاضر شد و با زبان اشاره گفت: «می‌خواهم درباره خاطراتم به صورت خلاصه توضیح دهم، سال ۱۳۳۷، وقتی هفت سالم بود در میدان فردوسی درس خواندم و معلمم جبار باغچه‌بان و ثمینه باغچه‌بان بودند و از ایشان بسیار یاد گرفتم. جبار باغچه‌بان سال ۱۳۱۲ بنیانگذار بنیاد آموزش ناشنوایان بود. سال ۱۳۴۴ خانم ثمینه باغچه‌بان ریاست این مدرسه را بر عهده داشتند و تا سال ۱۳۵۷- ۱۳۵۸ مسئولیت را برعهده گرفتند و خیلی برای بچه‌های ناشنوا زحمت کشیدند و در سازمان رفاه ناشنوایان هم کار می‌کردند و در آنجا کارگاه‌هایی مثل نجاری، خیاطی و... برگزار می‌کردند، زحمت زیادی کشیدند و در شهرهای مختلف مدرسه‌های ناشنوایان را به همراه سازمان رفاه ناشنوایان گسترش دادند. من از جبار باغچه‌بان و ثمینه خانم کار را یاد گرفتم و ادامه دادم و شما هم ناامید نشوید و راه ثمینه و جبار باغچه‌بان را ادامه دهید.»

> ثمینه باغچه‌بان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، فولکلور و سنت‌های بومی، مفاهیم ارزشمند انسانی را به زبان کودکانه و در عین حال پرمغز، به نسل‌های مختلف منتقل کرد

نقش باغچه‌بان‌ها در تاریخ تعلیم و تربیت کشور

افسانه صادقی مدیرعامل شبکه ملی ناشنوایان نیز از دیگر سخنرانان این مراسم بود که گفت: «خانم ثمینه باغچه‌بان اولین کسی بودند که رشته شنوایی‌شناسی را وارد دانشگاه کردند که واقعاً کار فوق‌العاده‌ای است. علاوه بر خانم باغچه‌بان می‌خواهم از دو نفر دیگر هم تقدیر کنم، خانم دکتر مهاجرانی اولین سخنگوی دولت تاریخ ایران هستند که مترجم زبان اشاره دارند و آقای ربیعی هم در این دولت و دولت‌های پیشین زحمات بسیاری کشیدند و من به نمایندگی از ناشنوایان یک لوح تقدیر خدمت خانم باغچه‌بان و آقای ربیعی و خانم مهاجرانی تقدیم می‌کنم.»
نوش‌آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب کودک هم با تجلیل از برپایی این مراسم گفت: «جلسه‌ای مالامال از احساس و خاطره است و صحبت در چنین فضایی آسان نیست. من شاید به عنوان قدیمی‌ترین دوست ثمینه خانم باید چند کلمه‌ای خدمت شما عرض کنم. در سال ۱۳۴۱ یا ۱۳۴۲ در شورای کتاب کودک با ایشان آشنا شدم، این آشنایی به دوستی انجامید و این دوستی تا امروز ادامه داشته و ما مرتب با هم مکاتبه داشتیم و به هم زیاد نزدیک بودیم و زمانی که مریم پیرنظر اشاره کردند که مادر می‌گوید دوست دارم به ایران برگردم، بسیار خوشحال شدم و خدمتشان عرض کردم جای شما ایران است. من به واسطه کارم با زنانی آشنا شده بودم که افراد ویژه‌ای هستند و به هر حال فهرستی فراهم آمد و خوشحالم که در این سال‌ها که در خدمت ثمینه خانم و خانم پیرنظر بودم دریچه‌ای برای آشنایی ایشان با ایران پس از چهل سال بودم و هر بار این آشنایی باعث سربلندی من بود.»

ثمینه و نام ارجمند «رشدیه»

سید جواد حسینی رئیس سازمان بهزیستی نیز به عنوان آخرین سخنران مراسم گفت: «رشدیه نام مقدسی است که تعلیم و تربیت این کشور سخت به او مدیون است، جبار باغچه‌بان چه زیبا نام باغچه‌بان را برای خود برگزید، او وقتی اولین مدرسه ناشنوایان را در تبریز راه‌اندازی کرد این اسم را برگزید. باغچه‌بان همیشه برای من نامی مقدس بوده و تاریخ تعلیم و تربیت این کشور خیلی سخت به او مدیون است. ثمینه باغچه‌بان در زمان حیات پدر همراه او بود و پس او راه پدر را به نیکویی ادامه داد و در حوزه بهزیستی هم زحمات بسیاری کشید.»
ثمینه باغچه‌بان در حالی که سخنرانی خود را با اشعاری از سعدی و مولانا آغاز کرد، گفت: «ما شاعران بسیاری داریم که هنوز نام‌آور نشده‌اند و امیدوارم هر کسی هر هنری دارد فرصت آن را داشته باشد که هنرش را عرضه کند و این بزرگ‌ترین پاداشی است که یک هنرمند می‌تواند داشته باشد. من سعادت این را داشتم که همسر هوشنگ پیرنظر باشم و از او دختر و پسری مثل سهراب پیرنظر و مریم پیرنظر داشته باشم و من در زیر سایه مریم هستم. من عمرم را بر سر عشق و علاقه به ناشنوایان گذاشتم و اگر دوباره این فرصت را داشته باشم همین راه را خواهم رفت. از آقای پزشکیان تشکر می‌کنم که پشتیبان آموزشگاه باغچه‌بان بودند.»
در بخش پایانی این مراسم زهرا بهروز آذر به نمایندگی از دولت و از طرف رئیس جمهوری لوحی را به ثمینه باغچه‌بان اهدا کرد. پس از آن علی ربیعی دستیار رئیس جمهور در امور اجتماعی، جواد حسینی، سالار قاسمی و دیگر افراد از نهادهای مختلف نیز با اهدای هدایا و لوح تقدیر از ثمینه باغچه‌بان تقدیر کردند.

نگاره

تکیه به خورشید، پرواز روشنایی است

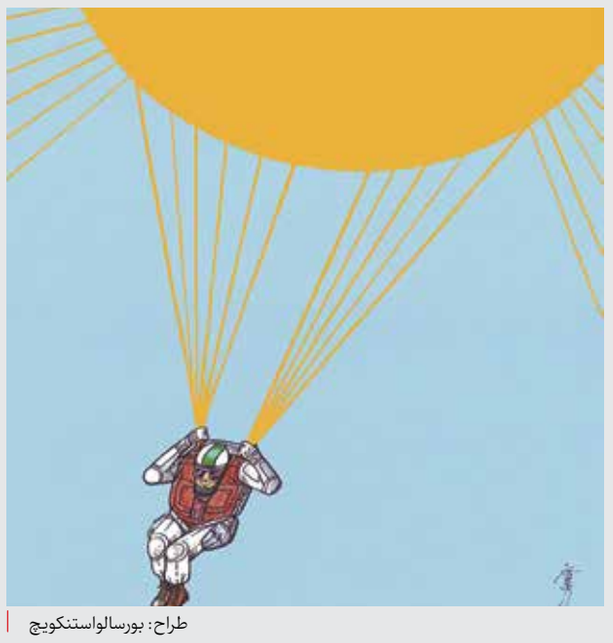

طراح: بورسالواستنکویچ

دیالوگ

دل آدم عین یک باغچه پر از غنچه است
اگر با محبت غنچه‌ها را آب دادی باز می‌شوند
اگر نفرت ورزیدی غنچه‌ها پلاسیده می‌شوند.

سووشون
اثر سیمین دانشور

یادداشت

سعید اسلام‌زاده
روزنامه‌نگار و منتقد هنری

نقش انکارنشدنی «عکس» در تولید گفتمان

عکس نیز مانند هر پدیده دیگری در جامعه انسانی، منوط به تعریف فرهنگی است. بدون شناخت آن چیزهایی که با مقوله عکس پیوند دارند، عکس چیز بی‌معنایی خواهد بود. چراکه عکس ذاتاً و به‌خودی‌خود واجد معنا نیست و معنای خود را از وجوه فرهنگی خارج از دنیای عکس به دست می‌آورد. این تعریف، برای داستان و نقاشی هم صادق است. هیچ عکس و یا شعری ذاتاً نه هوادار است و نه مخالف. بلکه هر شعر و نقاشی و عکس و فیلمی صرفاً بازتابنده دنیای هنرمندش در درون بافت فرهنگی است که در آن زیست می‌کند و به قواعد و اصول نشانه‌شناسی و نظام اسطوره‌ای آن آشناست. آلن سکولا در نظریه گفتمان عکاسی خود که حدوداً پنج دهه پیش منتشر کرد، به این مسأله پرداخته و عکس را در قالب یک پدیده فرهنگی، به گفتمان بدل کرده و مباحث تئوری مهمی را در این زمینه مطرح کرده است. می خواهم براساس آنچه سکولا اشاره کرده، به نظام عکاسی امروز ایران، از منظر فرهنگی و در قالب یک نظریه گفتمانی نگاهی بیندازم.
عکس‌ها در بافت هر فرهنگ، معنای ویژه‌ای پیدا می‌کنند. فهم هر عکس، بنا به تمرین و یادگیری روش خواندن تصویر اتفاق می‌افتد. هیچ فرد و یا فرهنگی بدون یادگیری و دریافت پیام تصاویر-عکس، نقاشی، فیلم-توانایی تشخیص درست از ماهیت آن را ندارد. تصاویر دارای ماهیتی سخن‌ورانه نیز هستند که مجموعه روابط را در تصویر، تکمیل می‌کنند و معنا می‌دهند. یعنی همان بافت که در فرهنگ و گفتمان‌های فرهنگی مختلف متفاوت‌اند. عکس به گفته سکولا، گفته‌ای ناتمام است. پیامی در عکس نهفته است که فهم و خوانش آن نیاز به شناخت شبکه‌ای بیرون از عکس دارد. این شبکه معنایی است که از نگاه گفتمان‌شناسی موجب فهم عکس می‌شود. هر عکاس، پیام عکاسانه‌ای دارد که ویژه خود اوست و در بافت فرهنگی و گفتمانی تعریف و خوانده می‌شود. پس در هر جامعه‌ای تا سواد بصری یا به تعبیری سواد عکاسانه به وجود نیاید، جامعه از فهم عکس عاجز خواهد بود. به طور کاملاً مشخص، شبکه معنایی و نظام نشانه‌شناختی عکس‌ها در هر فرهنگ، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که ممکن است در جامعه دیگر فهم نشود. پس اعتقاد به چیزی به نام نظام جهان‌شمول نشانه‌های تصویری، ادعای چندان فاضلانه‌ای نخواهد بود. به بیانی دیگر در فلسفه فرهنگ هر جامعه، بنا به نظام اسطوره‌ای و نشانه‌ای آن جامعه، آیکون‌ها و شمایل‌های ویژه هر فرهنگ، درون همان بافت فرهنگی معنامند می‌شود. اگر قائل به این موضوع باشیم که هر عکس متضمن مجموعه‌ای از اطلاعات و ویژگی‌های ارتباطی است که محصول فرهنگ‌اند و طی قرون متمادی در یک اقلیم تعین یافته‌اند، لاجرم نظام عکاسی ما در ایران، با نظام عکاسی مردمانی که در جنوب آمریکا و یا شرق آسیا زندگی می‌کنند متفاوت خواهد بود. البته می‌دانید که عده زیادی هم هستند که با این نگاه مخالف‌اند و معتقدند که عکس‌ها معنایی ذاتی دارند که در هر جای دنیا فهمیده می‌شوند. آنها عکس را بازنمودی از جهان واقعی می‌دانند و عکس را به‌مثابه رسانه‌ای شفاف قلمداد می‌کنند که گزاره‌های ارتباطی و اطلاعاتی را بدون واسطه منتقل می‌کنند. اما اگر کمی به عکس‌های خرده‌فرهنگ‌ها دقت کنیم که هنوز اطلاعات و پیام‌های متنی از آنها به جهان صادر نشده است، درمی‌یابیم که معنای عکس‌های اقلیمی مثلاً از جنوب ایران و یا عشایر ایران، برای کسانی که اطلاعاتی از این اقوام در اختیار ندارند، قابل فهم نیست و دیگران با این عکس‌ها ارتباط برقرار نمی‌کنند، همان‌طور که ما بدون اطلاعاتی از نظام نشانه‌ای مردمان قبیله‌های بدوی استرالیایی و آفریقایی توان درک جزئیات عکس‌های آنها را نداریم. این عکس‌ها تفاوت‌های ارتباطی و اطلاعاتی فاحشی در جزئیات دارند که تا از آنها مطلع نباشیم، عکس‌ها برای ما پیامی نخواهند داشت و در شکل ناپیام برای ما جلوه می‌کنند.